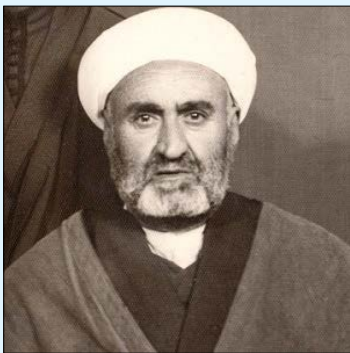


ناگهان شعر



«عبدالجواد ادیب نیشابوری»

شعر اول:

همچو فرهاد بود کوه کنی پیشه ما  
سنگ ما، شیشه ما، ناخن ما تیشه ما  
دائم ای عشق قوی پنجه که منظور تو چیست  
دست بردار نه ای تانکنی ریشه ما  
عشق شیربست قوی پنجه و می گوید فاش  
هر که از جان گذرد بگذرد از پیشه ما  
بهریک جرعه می منت ساقی تبریم  
اشک ما با ده ما دیده ما شیشه ما

شعر دوم:

خدا مرا به فراق تو، مبتلا نکند  
نصیب دشمن ما را نصیب ما نکند  
من وز کوی تو رفتم؟ زهی خیال محال  
که دام زلف تو هرگز مرا رها نکند  
خدای را ز تو بر من عنایتی ست بزرگ  
اگر فسون رقیب از منت جدا نکند  
چگونه ماه فلک دانت که ماه فلک  
به دست، جام نگیرد به بزم، جانکند  
من از جفات نترسم ولی از آن ترسم  
که عمر من به جفات این قدر وفا نکند  
چه داند آن که شب ما چگونه می گذرد؟  
کسی که دست در آن طره دوتا نکند  
حبیب، خواری من خواست بر مراد رقیب  
خدا، مراد دل هر کسی روا نکند  
ز جور دوست نالام مگر به حضرت دوست  
غریب لطف خدا، یاد ناخدا نکند  
«ادیب!» این همه دلگرم سوز اه مباح  
که سوز آه تو، تاثیر در قضا نکند

هنر های تجسمی

## موفقیت کود کان ایرانی در مسابقه نقاشی ژاپن



هفت عضو مراکز فرهنگی هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان موفق به دریافت جایزه از بیست و سومین مسابقه بین المللی نقاشی محیط زیست ژاپن شدند.

به گزارش اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل کانون، بیست و سومین مسابقه بین المللی نقاشی محیط زیست ژاپن با موضوع «اوقات شاد برای مردم و طبیعت» برگزار شد و کانون پرورش فکری با ارسال ۵۰ اثر در این دوره از مسابقه ها حضور داشت.

بر اساس این خبر از میان بیش از ۹ هزار و ۹۴۷ اثر رسیده از ۸۳ کشور جهان به این مسابقه هفت نفر از اعضای مراکز فرهنگی هنری کانون موفق به کسب جایزه و دیپلم افتخار این دوره از مسابقه ها شدند. اسامی برندگان این مسابقه عبارت اند از: زینا جلالی از کهنوج، رادین قره چاهی از تبریز فارس، محمدجواد حسن زاده از اصفهان، ایلیا شاهی، سونیا مهدی زاده، سوین ابراهیم نژاد و آیلین قنبری از اردبیل.

غلط نویسیم

## دوش گرفتن

این عبارت، گرته برداری از زبان انگلیسی است و بهر است به جای آن از: استحمام کردن، شست و شو کردن، به حمام رفتن و... استفاده کنیم.

بر ساختن/ساختن

«بر ساختن» فعل پیشوندی است و در معنی «جعل کردن یا وضع کردن» به کار می رود نیز واژه «بر ساختن» که صفت فعلی «بر ساختن» است در معنی «غیر واقعی، جعلی، ساختگی» استعمال می شود. برخی به اشتباه «بر ساختن» و «ساختن» همچنین «بر ساخته» و «ساخته» را معادل هم و به صورت مترادف و یا به جای همدیگر به کار می برند که در فارسی فصیح باید از این کاربرد غلط پرهیز کنیم. بر گرفته از کتاب «فرهنگ در ست نویسی سخن» تألیف استاد حسن انوری

# «سپنج»؛ اتفاقی نو اما مهجور

مروری بر کار نامه برنامه «سپنج» که چهره هایی بر جسته مانند حسن انوری، هوشنگ مرادی کرمانی، ژاله آموزگار سید مهدی شجاعی، فاضل نظری، ساعد باقری و... در آن از معنای زندگی و فرار از روزمرگی گفتند. در این گزارش به دلایل کمتر دیده شدن این برنامه فاخر ادبی پرداخته ایم



الهه آرانیان

culture@khorasannews.com

زمانی به عنوان شوخی گفته می شد برنامه های شبکه چهار تلویزیون را حتی خود مسئولانش هم نگاه نمی کنند. دلایل هم محتوای فاخر و بالاتر از سواد و آگاهی عمومی برنامه هایش بود که چندان طرفدار نداشت. حالا انگار برنامه های پر محتوای شبکه نمایش خانگی هم تا حدود زیادی به همین مشکل دچار شده اند! نمونه اش برنامه اندیشمندان و البته جذاب «سپنج» بود که از اسفندماه سال گذشته تا شهریورماه امسال، هر هفته از فیلمو پخش می شد، اما آن طور که شایسته اش بود، دیده نشد؛ برنامه ای گفت و گومحور با اجرای مجری اهل مطالعه ای مانند علی در ستکار و مهمانانی که هر کدام در پهنه فرهنگ، ادب، هنر، علم و فلسفه و زنه ای تاثیر گذار و تعیین کننده هستند. هفته گذشته آخرین قسمت برنامه «سپنج» پخش شد.

■ «گذر از روزمرگی»؛ راز مهم «سپنج»

سپنج، از آن واژه های پر کاربرد در شعر فارسی است و از رودکی و فردوسی تا حافظ و دیگر شاعران آن را در شعر خود به معنای «موقتی، عاریتی و گذرا» به کار برده اند. فردوسی در وصف دنیا و روزگار در شاهنامه می گوید: «چنین است رسم سرای سپنج / همه از پی درد با از و رنج» یا «چه بندی دل اندر سرای سپنج / چه نالی به گنج و چه نالی ز رنج؟» عوامل سازنده برنامه سپنج به درستی مفهوم سپنج را در ساختار و محتوای برنامه نشان دادند؛ از گفت و گوهای مجری با مهمانان تا دگور و فضایی که مجری و مهمان در آن مقابل هم می نشستند؛ همه و همه به پوی، زردگذر بودن و موقتی بودن دنیا به عنوان سرای سپنج اشاره داشت. «گذر از روزمرگی» شعار مهم و محوری برنامه «سپنج» و گفت و گوهای این برنامه درباره دعوت به تفکر در مفهوم زندگی، دوست داشتن و کیفیت بخشیدن به

■ یاد بعضی نفرا ت روشنم می دارد

به قول نیما یوشیج که می گوید: «یاد بعضی نفرا ت / روشنم می دارد»، نام و یاد هر کدام از مهمانانی که به «سپنج» دعوت شدند، روشنمان می دارد. به ویژه مهمانانی که از سرزمین ادبیات و هنر بودند. هر کدام از مهمانانی که در ۲۴ قسمت «سپنج» حضور پیدا کردند، از چهره های مهم و تاثیر گذار

کوچک تر برای دو فرزند دختر و قسمت بزرگ تر برای فرزند پسر. دکور «سپنج» به دلیل سادگی و بی پیرایه بودن، مخاطب را به خوبی بر محتوای گفت و گو متمرکز می کرد. حسین ربانی غربی، تهیه کننده «سپنج» در مصاحبه با ایرنا درباره دکور برنامه گفته است: «وقتی در باره دکور برنامه گفت و گومحور صحبت می کنیم، بیش از این که طراحی صحنه اهمیت داشته باشد، طراحی فضا اهمیت پیدا می کند. فضا یا همان اتمسفر باید در خدمت محتوا باشد. به همین دلیل ما دو فضا را برای تولید طراحی کردیم. یک فضای دکوراتیو برای معرفی مهمان برنامه و گرفتن دست خط در شروع و یک فضای گفت و گو که یک استیج ۳۰۰ متری کاملاً مشکی مات بدون زرق و برق های رایج است. استیجی با ارتفاع ۱۰ متر که تنها یک فرش ایرانی ۳۰ متری فضای دکوراتیو آن را شکل می دهد که در آن مهمان و مجری در دو صندلی روبروی هم و در فاصله ای کم گفت و گو می کنند.»

■ برنامه ای که باید بیشتر دیده می شد

«سپنج» در مدت زمانی حدود شش ماه در شبکه نمایش خانگی پخش شد، اما آن گونه که شایسته اش بود، قدر ندید. با این که بعد از پخش هر قسمت، ویدئوهای منتخب از آن در فضای مجازی پر باز دید می شد، اما کلیت برنامه باید بیشتر دیده می شد. یکی از دلایل کمتر دیده و شناخته شدن این برنامه، تبلیغ نشدن آن در فضای رسانه ای بود و دیگر این که در سال های اخیر ذائقه مخاطب با محتواهای دم دستی و تهی از معنا تغییر کرده است و غالب مخاطبان میلی به تماشای این گونه برنامه ها که دعوت به تفکر و اندیشه می کنند، ندارند. با همه این ها جامعه برای فرار از بی فکری و اتلاف وقت نیاز به چنین محتوایی دارد. برنامه هایی مانند «سپنج» به قول تهیه کننده اش مانند کتاب های مرجع کتابخانه هستند؛ شاید دائم خوانده نشوند، اما انسان ها وقتی به دنبال «معنا» می گردند، سراشان را می گیرند.



و با بضاعت اندک ش پیش غذایی سفارش می دهد. اوج داستان که همذات پنداری و احساس مخاطب را برمی انگیزد، همین جاست که «پراسکارشن» با وجود گرسنگی و حشتناک در مواجهه با غذایی که بعد از مدت ها نصیبش شده مثل یک اشراق زاده بر خورد می کند و بعد از خوردن چند قاشق سوپ، با وجود گرسنگی و حشتناک، باقی مانده غذا را کنار می زند. «گرسنه» به کارگردانی «هیننگ کارلسن» و بازی تحسین برانگیز «پراسکارشن» است. می گویند «پراسکارشن» برای این که بتواند هر چه بهتر نقش شخصیت اول فیلم را بازی کند، چندین کیلومتر راه را از شهری به شهر دیگر و با شکم گرسنه پیاده طی کرده و در این مسیر کیلوهای زیادی از وزنش را از دست داده است.

فیلم «کارلسن» از مددود اقتباس هایی است که با خود کتاب برابری می کند و تا حدود زیادی توانسته است جزئیات را از داستان به سینما منتقل کند. در بخشی از داستان که شخصیت اول آن مختصر پولی نصیبش می شود اولین کاری که می کند به رستورانی در شهر می رود.

■ ظاهر مرا حفظ کردم و گریستم

در بخشی از کتاب می خوانیم: «ظاهر مرا حفظ کردم و به اولین قصایی که رسیدم گفتم: آه لطفاً یک استخوان برای سگم به من بدهید که کمی گوشت به آن چسبیده باشد، طعمی نداشت، بوی مشمئز کننده خون کهنه از استخوان برمی خاست. مثل کسی که تسخیر شده است شروع به جویدن کردم، به قدری گریستم که استخوان خیس و آغشته به اشک شد.»

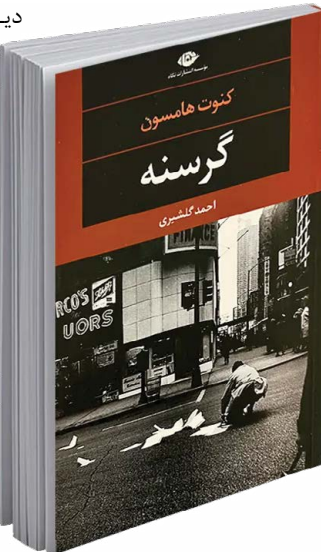
«گرسنه» در ایران بارها ترجمه و منتشر شده است که از مهم ترین آن ها می توان به ترجمه احمد گلشیری توسط انتشارات نگاه اشاره کرد.

مسائل زندگی احساس در ماندگی می کند آیا نماد نویسندگان جهان در قرن بیستم نیست؟

■ رمان گرسنه و چندین اقتباس سینمایی

«گرسنه» آن قدر کتاب مهمی است که چندین و چند اقتباس سینمایی از آن ساخته شده است. مهم ترین آن ها فیلمی با همین نام یعنی «گرسنه» به کارگردانی «هیننگ کارلسن» و بازی تحسین برانگیز «پراسکارشن» است. می گویند «پراسکارشن» برای این که بتواند هر چه بهتر نقش شخصیت اول فیلم را بازی کند، چندین کیلومتر راه را از شهری به شهر دیگر و با شکم گرسنه پیاده طی کرده و در این مسیر کیلوهای زیادی از وزنش را از دست داده است.

فیلم «کارلسن» از مددود اقتباس هایی است که با خود کتاب برابری می کند و تا حدود زیادی توانسته است جزئیات را از داستان به سینما منتقل کند. در بخشی از داستان که شخصیت اول آن مختصر پولی نصیبش می شود اولین کاری که می کند به رستورانی در شهر می رود.



## ادب و هنر

ادبی هنری

## آسیب نگاه سلبی

به شاخه های مختلف موسیقی



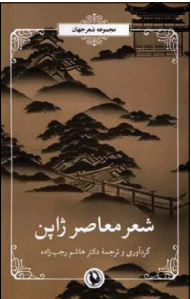
مدیر کل دفتر موسیقی گفت: می خواهیم از تمام شاخه های موسیقی حمایت کنیم؛ باور دارم که نمی شود با تضعیف بخشی از موسیقی، بخش دیگری را قوی کرد.

به گزارش صبا، امیر حسین سمیعی مدیر کل دفتر موسیقی در سفر استانی خود به استان مرکزی و شهر اراک در دیدار با هنرمندان عرصه موسیقی این استان گفت: می خواهیم از تمام شاخه های موسیقی حمایت کنیم؛ باور دارم که نمی شود با تضعیف بخشی از موسیقی، بخش دیگری را قوی کرد. نمی توان به بخشی از موسیقی نگاه سلبی داشت و بعد منتظر شکوفایی بخش دیگری بود.

او با اشاره به اهمیت برگزاری جشنواره هایی مانند جشنواره موسیقی نواحی خاطر نشان کرد: موسیقی نواحی زیر ساخت ماست و نیاز به حمایت جدی دارد. من برگزار می جشنواره به این شکل را تنها ۲۰ درصد از حمایت از این موسیقی می دانم و معتقدم تنور موسیقی نواحی باید گرم تر از این ها باشد.

## انتشار گزیده

«شعر معاصر ژاپن»



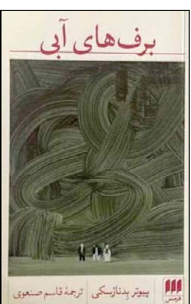
کتاب «شعر معاصر ژاپن»، مجموعه ای از اشعار معاصر ژاپنی با گردآوری هاشم رجبزاده روانه بازار نشر شد.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران، کتاب «شعر معاصر ژاپن» شامل مجموعه ای از اشعار شاعران معاصر ژاپن، با ترجمه و گردآوری هاشم رجبزاده از سوی انتشارات مروارید روانه بازار نشر شد.

در قرن نوزدهم، ژاپنی های هوشمند و کنجکاو که شیفته یافتن و کاربرد اندیشه ها و شیوه های نو بودند، خود را با دنیای غیر شرقی و چشمه علوم و تفکر پویای غربی روبه رو دیدند. باروی کارآمدن میجی (امپراتور ژاپن در سال های ۱۸۶۸-۱۹۱۲) که عصر او دوره تجدد ژاپن نام گرفته است، شیوه ها و اندیشه های باخترزمین در زمینه های تجربی و نظری به دقت از موده شد. در میان کتاب هایی که در این دوره ترجمه شده گردآوری هایی است از سروده های شاعران اروپا و آمریکا و این سر آغاز در شعر معاصر ژاپن جریان تازهای شد همسو با رویدادهایی که همزمان در غرب می گذشت.

«برف های آبی»

در کتاب فروشی ها



«برف های آبی» نوشته پیوتر بدنارسکی با ترجمه قاسم صنعوی راهی بازار کتاب شد. بدنارسکی همزمان با گذراندن زندگی حرفه ای، رمان ها و شعر ها و داستان های کوتاه بسیاری آفرید.

او داستان برف های آبی را از خاطره های دوران کودکی خودش برگرفته است. این همان ماجرای خودش است و از یکایک رویدادهای باور نکردنی اش ظنین واقعیت برمی خیزد.

## به یاد شمس



مراسم اولین سالگرد درگذشت شمس آقاچانی، شاعر و منتقد روز پنجشنبه برگزار می شود. به گزارش ایسنا، این مراسم روز پنجشنبه، هشتم شهریور از ساعت ۱۷ در کتاب فروشی فرهنگان (پاسداران)، پاسداران، خیابان ناطق نوری (زمرد)، روبه روی دشتستان پنجم برگزار می شود. شمس آقاچانی به تولد سال ۱۳۴۷، شاعر و منتقد ادبی و از شاگردان گاهر ضاراهنی در دهه ۷۰ بود که ۱۷ شهریور ۱۴۰۲ از دنیا رفت. «سخن رمز دهمان»، «مخاطب اجباری»، «درس های ادبی»، «چرا آخرین درنا بازمی گردد»، «راوی دوم شخص» و «گزارش ناگزیری» از آثار این شاعر و منتقد ادبی است.